



چالش‌ها و راهکارهای اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی ایران



دکتر علی آقابور
وکیل پایه یک دادگستری

چکیده

جرم‌شناسی به‌عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای، می‌تواند نقشی مؤثر در توسعه و بهبود نظام‌های حقوق کیفری ایفا کند. با این حال، در حقوق کیفری عمومی ایران، اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی با چالش‌های متعددی مواجه است. این مقاله به بررسی این چالش‌ها و ارائه راهکارهایی برای ارتقای استفاده از یافته‌های جرم‌شناسی در نظام حقوق کیفری ایران می‌پردازد. برخی از چالش‌های اساسی شامل محدودیت‌های مربوط به عبارات قوانین کیفری و تلاقی با آموزه‌های جرم‌شناسی، عدم اطلاع و شفافیت کافی دست‌اندرکاران قضایی از مفاهیم جرم‌شناسی، وارداتی بودن نظریه‌های جرم‌شناسی، فرهنگ مجازات‌گرای جامعه و فقدان آموزش لازم روش تحقیق جرم‌شناسی است.

در مقابل، راهکارهایی همچون بومی‌سازی آموزه‌های جرم‌شناسی، اهمیت دادن به مطالعات، مصاحبه‌های میدانی و آماری جرم‌شناسی و آگاهی به قضات نسبت به کارکردهای جرم‌شناسی و اعمال مجازات‌های نوین می‌تواند به کارگیری آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی ایران را تسهیل کند.



هدف این مقاله، شناسایی موانع و ارائه راهکارهایی برای افزایش پیوند میان دانش جرم‌شناسی و حقوق کیفری عمومی ایران است. کلیدواژه‌ها: حقوق کیفری عمومی، جرم‌شناسی، بومی‌سازی جرم‌شناسی، فرهنگ مجازات، روش تحقیق جرم‌شناسی، مجازات‌های نوین.

مقدمه

جرم‌شناسی به‌عنوان یک حوزه علمی میان‌رشته‌ای، در دهه‌های اخیر، نقش مهمی در تحول نظام‌های کیفری ایفا کرده است. این دانش با بهره‌گیری از یافته‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و علوم زیستی، به بررسی علل و عوامل ارتکاب جرم و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از وقوع آن می‌پردازد. در بسیاری از کشورهای پیشرفته، آموزه‌های جرم‌شناسی نه تنها به تحلیل دقیق‌تر و جامع‌تری از رفتارهای مجرمانه منجر شده، بلکه به اصلاحات عمیق در نظام‌های کیفری نیز انجامیده است. با این حال، در ایران، به‌رغم اهمیت و کاربردهای گسترده این دانش، هنوز موانع و چالش‌های فراوانی در مسیر اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی وجود دارد.

در بسیاری از کشورها، با اینکه قوانین کیفری آمرانه و به‌صورت یک‌طرفه از طرف دولت وضع می‌شوند، این قوانین متحول شده‌اند. برخی از این تحولات بیش از هر چیز، ناشی از نتایج تحقیقات و یافته‌های جرم‌شناسی است. با اینکه جرم‌شناسی رشته‌ای علمی است و به‌علت دیدگاه انتقادی و بی‌طرفانه آن، چندان مورد استقبال دولت‌ها نیست، اما در قوانین کیفری نفوذ کرده و اهداف متفاوتی را برای آن در نظر گرفته است. یکی از این اهداف جرم‌شناسانه، رویکرد مدیریت محور در امور کیفری است که به دنبال بهینه کردن فرایند کیفری و بالا بردن کارایی آن است (شاملو و عبدالهی، ۱۳۹۴: ۹۹).

در بررسی چالش‌های فراروی قانون‌گذار کیفری در اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی، باید از یک طرف به لزوم ایجاد پویایی و استفاده از دستاوردهای جرم‌شناسی در حقوق



کیفری توجه داشت، و از سوی دیگر به محدودیت‌هایی که در هر کشوری با توجه به قوانین خاص آن کشور ممکن است به صورت مانعی جهت استفاده از این دستاوردها وجود داشته باشد. نظام حقوق کیفری ایران که عمدتاً بر مبنای فقهی و سنتی استوار است، در مواجهه با آموزه‌های نوین جرم‌شناسی با مشکلاتی همچون عدم تطابق با زیرساخت‌های قانونی، نبود تعامل مؤثر میان جرم‌شناسی و قانون‌گذاری، و مقاومت در برابر پذیرش رویکردهای نوین مواجه است. این چالش‌ها نه تنها مانع بهره‌گیری کامل از یافته‌های جرم‌شناسی در سیاست‌گذاری‌های کیفری شده‌اند، بلکه به عدم توسعه و بهبود کارآمد نظام عدالت کیفری نیز منجر شده‌اند.

با این وصف، اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی در کشور با چالش‌هایی روبه‌رو است که نیازمند بررسی و ارزیابی دقیق است. این پژوهش به بررسی چالش‌هایی می‌پردازد که در راستای اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی ایران وجود دارد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مسائل مربوط به تطبیق آموزه‌های جرم‌شناسی با شرایط اجتماعی و فرهنگی مردم، مشکلات عملیاتی و اجرایی و نقایص و ابهامات در قوانین و مقررات مرتبط اشاره کرد. در این راستا، شناخت دقیق این چالش‌ها و پیدا کردن راهکارهای مناسب برای آن‌ها می‌تواند به بهبود عملکرد سیستم کیفری و اجرای بهتر قوانین کیفری در کشور کمک کند.

پرسش‌هایی که نگارندگان در این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آن هستند، عبارت‌اند از مهم‌ترین چالش‌های اصلی در مسیر اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی در نظام حقوق کیفری ایران چیست؟ و مهم‌ترین راهکارهای اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی ایران کدام‌اند؟

۱. چالش‌ها و راهکارهای اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی ایران

در ایران، حقوق کیفری عمومی بر مبنای فقه اسلامی و اصول کلاسیک حقوق جزای کشورهای غربی استوار است. این مبنای اغلب با مفاهیم و نظریات مدرن



جرم‌شناسی که بیشتر بر رویکردهای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و رفتاری تمرکز دارند، هماهنگ نیستند. جرم‌شناسی به دنبال تحلیل ریشه‌های جرم و علل اجتماعی و روانی بزهکاری است، در حالی که حقوق کیفری سنتی ایران بر عناصر جرم و تعیین مجازات تأکید دارد و به پیشگیری و اصلاح، کمتر توجه می‌کند. از این رو، اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی ایران با چالش‌های متعددی مواجه است که در این قسمت به تبیین مهم‌ترین چالش‌های نظری خواهیم پرداخت.

۱-۱. محدودیت‌های مربوط به عبارات قوانین کیفری و تلاقی با آموزه‌های جرم‌شناسی

سیاق عبارات قوانین در واقع همان اسلوب و شیوه‌های است که قانون‌گذار کیفری از آن برای عبارات قوانین کیفری استفاده می‌کند. برای بهره‌مندی از دستاوردهای جرم‌شناسی در حقوق کیفری، قانون‌گذار کیفری باید درصد متحداشکل کردن مفاهیم و واژگان کلیدی علوم جنایی باشد.

جرم‌شناسی مفاهیم و آموزه‌های خاص خود را دارد؛ مثلاً در جرم‌شناسی از «بزهکاری مزمن» نام می‌بریم، در صورتی که در حقوق کیفری، همین اصطلاح، «مجرم به عادت» نام دارد. جرم‌شناس در واقع از نقطه آغاز جرم تا ارتکاب جرم، همه این روند را بررسی می‌کند؛ در صورتی که حقوق کیفری تنها زمان وقوع جرم را مهم می‌داند و این روندها اصطلاحات و تعابیر مخصوص خود را می‌طلبد.

همچنین د مورد شروع به جرم، باید توجه داشت که در زبان انگلیسی برخلاف فارسی، برای شروع به جرم، بسته به اینکه منظور جنبه‌های حقوق کیفری باشد (attempt) یا جنبه‌های جرم‌شناختی (Onset) از دو واژه متفاوت استفاده میشود (کارلسون، ۱۳۹۹: ۱۶۹).

در جرم‌شناسی، از مجرم به عنوان «بیمار» یاد می‌شود، ولی برای تعریف بیماری و تعیین شرایط آن نباید به علم پزشکی رجوع کرد. در علم پزشکی، تعریف بیمار کاملاً با تعریف مجرم در جرم‌شناسی متفاوت است. بیماری یعنی نوعی کاستی یا اختلال که به حیات روانی و جسمانی بیمار آسیب وارد می‌کند. اما منظور از بیمار بودن مجرم در



حقوق کیفری، کاستی یا اخلال در نظام شخصیتی، فرهنگی، رفتاری و روانی است که موجبات ارتکاب و تکرار جرم را در او فراهم می‌آورد. این نگرش می‌تواند درک عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تری به قاضی بدهد که با در نظر گرفتن جوانب بیشتری از مشکلات و محدودیت‌های فردی هر مجرمی، عادلانه‌ترین حکم را صادر نماید که منجر به بازگشت مجرم به زندگی سالم و عدم تکرار جرم شود.

به‌طور کلی، تعارض عبارات جرم‌شناسی با مفاهیم حقوق جزا می‌تواند منجر به اختلافات در اجرای قانون، رفتار قضات و دیگر نهادهای قضایی شود. به همین دلیل، لازم است که قوانین کیفری با مفاهیم جرم‌شناسی و اصول حقوق بشر و بین‌المللی هماهنگ شود و تضمین‌کننده حقوق و عدالت باشند.

۲-۱. عدم اطلاع و شفافیت کافی دست‌اندرکاران قضایی از مفاهیم

جرم‌شناسی

یکی از مهمترین موانع اجرایی شدن دستاوردهای جرم‌شناسی را می‌توان عدم اطلاع و شفافیت کافی دست‌اندرکاران قضایی از مفاهیم جرم‌شناسی دانست. به واقع، سیستم عدالت کیفری در قانون مجازات اسلامی، خود از منطقی تبعیت می‌نماید که از طریق آن بتواند جایگاه از دست‌رفته خود را بازیابی کند. این منطق جدید با عنوان کیفرشناسی نوین یا عدالت محاسبه‌گر، تغییرات عمده‌ای را در نظام عدالت کیفری ایجاد نموده است؛ به‌نحوی که همهٔ موارد به‌موجب آن، رنگ مدیریتی به خود گرفته است. پس از آن، جرم و مجرم در محدودهٔ مفهوم خطر، قابلیت درک دارد. تکنیک‌های نظام عدالت کیفری هم‌گام با این تغییرات پیشروی نموده و در مواردی مدل‌های جدیدی از آن ایجاد شده است.

در این میان، لازم است اطلاعات دست‌اندرکاران قضایی در تمام حیطه‌ها بالاتر رود تا دستاوردهای جرم‌شناسی به‌درستی اجرا گردد. در این خصوص، میتوان به مادهٔ ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره نمود. به‌واقع کاهش میزان کیفر یا تغییر نوع آن در مرحلهٔ تعیین کیفر به‌وسیلهٔ قضات، از سازوکارهای متناسب‌سازی پاسخ‌های عدالت کیفری با خصوصیات بزهکاران و واقعیت‌های مرتبط به بزهکاری و بزه‌دیدگی



است که به دلیل پیوند جرم‌شناسی و حقوق کیفری وارد نظام کیفری شده است. سیاست‌گذار جنایی ایران در این ماده، با توجه به آموزه‌های جرم‌شناسانه، معیارهایی را برای کاهش میزان کیفر یا تغییر نوع آن شناسایی نموده است، که میبایست بیشتر مورد توجه قضات واقع شود (نیازپور، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

شناسایی سازوکارها و رویه قانون‌گذار ایران در این خصوص و مصداق‌های آن می‌توانند از یک طرف ابعاد کاهش میزان یا تبدیل مجازات، و از طرف دیگر اهمیت آن را در تأثیرگذارتر نمودن تدبیرهای عدالت کیفری روشن سازد. در مجموع، پیش‌بینی نهادهای کیفری در قانون فوق‌الذکر، کارکردهای گوناگونی دارد که آموزشی بودن، توصیفی بودن و سیاسی بودن از مهم‌ترین آن‌هاست؛ چراکه مقنن به واسطه شناسایی جرایم و معرفی سازوکارهای جواب‌دهنده به آن، به دنبال ارائه ارزش‌های اصلی جامعه، وضعیت حمایت از آن‌ها و تعیین نمودن سطح حقوق و آزادی‌های فردی است.

از این جهت، به رسمیت شناختن سازوکار تخفیف کیفر در این قانون نشان‌دهنده این است که قانون‌گذار به چه صورت به دنبال پاسخ‌گویی به بزهکاری است و معیارهای رواداری کیفری چه مواردی هستند؟ در حقیقت، مقنن از این راه و با معرفی معیارهای کاهش کیفر، مصداق‌های رفتارهای ناقض ارزش‌های تسامح‌ناپذیر و وضعیت تأمین امنیت و پاسداری از نظر عمومی را تبیین می‌کند. بدیهی است در ترسیم این سازوکار، استفاده از یافته‌های جرم‌شناسی نقش مهمی دارد، چراکه این آموزه‌ها ماهیت کارکردها و توسعه اثرگذاری سازوکارهای عدالت کیفری در زمره نهاد تخفیف کیفر را دگرگون می‌کند.

با توجه به این موارد، قضات قادرند با نمایان شدن نقش تحریک‌آمیز بزه‌دیده در رویه فعلیت یافتن بزهکاری نسبت به کاهش میزان کیفر، تصمیم بگیرند. بدیهی است این معیار در جرم‌شناسی نظری که به دنبال شناسایی علل تأثیرگذار بر جرم است، ریشه دارد. در مجموع، با وجود موارد مذکور و صادر شدن حکم‌های مختلف و مناسب توسط قضات، اما بعضاً شاهد عدم اطلاع و شفافیت کافی دست‌اندرکاران قضایی از مفهوم‌های جرم‌شناسی هستیم که لازم است توجهات بیشتری در این باره صورت بگیرد؛ چراکه به



نظر می‌رسد مقنن ایران با شناسایی آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی نخستین در ماده ۳۸ ق.م.ا، در صدد گسترش محدوده تخفیف کیفر و اختیاردهی به قضات به جهت بررسی نقش بزه‌دیده در رویه تکوین جرم، امکان بیشتری را برای متناسب‌سازی مجازات‌ها آماده ساخته است.

لذا ملاحظه می‌گردد که یافته‌های جرم‌شناسی، همیشه بر سیاست‌گذاری جنایی و به‌صورت روشن، بر سامانه ضمانت اجرای کیفری اثرگذار بوده و بعضاً قانون‌گذاران را به سمت تغییر سیاست‌ها یا شناسایی ابزارهای نوپدید سوق می‌دهند (سوتیل و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹۸).

بر همین اساس، آشنایی قضات با آموزه‌های جرم‌شناسی به‌منظور به‌کارگیری دقیق آن‌ها در واقع بینانه‌تر گردیدن قضاوت‌های کیفری، نقش مهمی را ایفا می‌نماید؛ چراکه نهاد تخفیف مجازات که در اختیار قضات است، در یافته‌های جرم‌شناسی نیز ریشه دارد. لذا آشنایی آن‌ها با جنبه‌های جرم‌شناسانه آن می‌تواند به استفاده درست و به‌جا از این سازوکار منجر گردد.

۳-۱. وارداتی بودن نظریه‌های جرم‌شناسی

در حال حاضر، بیشتر نظریه‌های جرم‌شناسی از کشورهای انگلیسی‌زبان شمال جهان آمده‌اند که اکثر مجلات و دانشگاه‌ها در آنجا قرار دارند. این سازمان اجتماعی جهانی دانش، غلبه فکری را عمدتاً بر اساس تجربیات این جوامع «جهان اول» یا «غربی» ایجاد کرده است (Carrington, ۲۰۱۷، ۶۱). از این رو، در سایر کشورها مثل ایران، شاهد ورود این نظریات بدون انطباق با اقتضات اجتماعی، فرهنگی، دینی و ملی هستیم. در این راستا، «جرم‌شناسی بومی»^۱ به‌عنوان یک رویکرد انتقادی نوظهور، در پاسخ به این چالش در جرم‌شناسی ارائه شده است (کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۲۱۲).

در سیاست جنایی ایران، به نظریه‌های جرم‌شناسی - بی‌توجه به بسترها و شرایطی که نظریه در آن تولد یافته است - اقبال وجود دارد. این اقبال ناشی از چیست؟ شاید یکی از علل این موضوع، شیوه تدریس و آموزش جرم‌شناسی در ایران باشد.

۱. Indigenous Criminology



جرم‌شناسی از علوم پوزیتیویستی است که قاعدتاً نظریه‌پردازی و فعالیت در آن از شاخه‌های احاطه بر روش تحقیقی است که در رشته حقوق آموزش داده نمی‌شود. پیامد ناروای نظریه‌های جرم‌شناسی وارداتی امری یقینی است که به برخی خواهیم پرداخت. یکی از مهمترین آفات نظریه‌های وارداتی، سوءاستفاده‌های است که در راستای منافع عقاید و ایدئولوژی‌های فرهنگ جامعی که نظریه در آن تولید شده شکل گرفته است و بدون در نظر گرفتن شرایط عینی، ذهنی و اجتماعی کشور ما از بالا دیکته می‌شود و از دیگر سو، می‌تواند مصادره به مطلوب یا استفاده ابزاری از نظریه‌ها انجام شود.

چالش بعدی نظریه‌های وارداتی، نگاه تعبدی به آنان در مراکز علمی است، که نتیجه آن چشم بستن بر واقعیات و اسیر نظریه شدن و از آن بدتر، این‌همانی ساختن از آن است. این‌همانی‌هایی که مشروعیت‌بخش نهادها و مفاهیم پرانتقاد و در نتیجه خود کردن به وضع موجود و آن را مطلوب پنداشتن است؛ آفتی که آسیب بزرگ‌تری در پی دارد و آن تعطیلی عقلانیت انتقادی است.

۴-۱. فرهنگ مجازات‌گرای جامعه

گزارش‌های واصله از بسیاری از کشورها طی دهه‌های گذشته، نشان می‌دهد که مردم تنبیه‌گراتر شده‌اند^۲ و کمتر از برنامه‌های اصلاحی حمایت می‌کنند و خواستار پاسخ‌های شدیدتر به جرم هستند (Miyazawa, 2008, 77)؛ مطالبه مجازات در افزایش حبس‌های بلندمدت منعکس شده است.

در برخی از کشورها، حبس ابد به‌عنوان پاسخی برای مجموعه گسترده‌ای از جرایم پیش‌بینی شده است که بسیار فراتر از میزان استفاده سنتی از آن است، که فقط مربوط به قتل عمد درجه یک بوده است. این نکته گاه باعث گسترش قابل توجه تعداد زندانیان محکوم به حبس شده است، که ناشی از به‌کارگیری سیاست‌های «حقیقت‌گرایی در تعیین مجازات» است. آنچه باعث این تغییر شده، تعیین مجازات‌های ثابت، تعیین

۲. چنین دیدگاهی مورد اشاره حقوقدانان ایران نیز قرار گرفته است، چنان که یکی از ایشان چنین بیان کرده است: «در این باره، اگر از چشم‌انداز جامعه‌شناسی حقوقی به مسئله بنگریم، یک مورد، ذهن کیفرگرای جامعه است که روزنه گسترده‌ای را برای استفاده از مجازات زندان فراهم میکند (نوبهار، ۱۳۹۴).



حداقل‌های اجباری، قوانین دو و سه ضربه^۳ و نهایتاً حرکت به سوی ساختار جدیدی از امنیت است که برای آن نقش اساسی در میان اهداف حقوق جزا و مجازات‌های کیفری قائل می‌شود. این امر سبب شده توجه از مجرم و فردی کردن مجازات، به سوی شدت جرم و مجازات‌های بازدارنده معطوف شود. شاید هم اساساً هیچ‌گاه از توجه به مجازات منحرف نشده بوده است.

بررسی‌ها، ملاحظات و انعکاس انتظارات عموم و همچنین خواص جامعه به دستگاه قضایی مبین این نکته است که «با اکثر مجرمان، صرف‌نظر از نوع جرم، با اعمال مجازات حبس برخورد قانونی به عمل آید. حتی در برخی موارد، ضابطان قوه قضاییه از عملکرد قضات اعلام نارضایتی می‌کنند و به دستگاه قضایی انتقاد دارند که ما مجرمان را دستگیر می‌کنیم و آنان آزاد می‌کنند. آدم بد ما هستیم و آدم خوب آنان هستند.» (میرخلیلی و یعقوبی، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

این طرز تلقی سبب شده است که «در عمل سیاست سخت‌گیری نسبت به جرم موجب تغییر مجازات‌ها و تشدید آن‌ها شود. اصول تناسب، ثبات، و قطعیت مجازات‌ها در عمل نفی‌کننده ملایمت و آزادی زود هنگام و تساهل و تسامح در برابر بزهکاران است و نتیجه آن به شکل اجرای قطعی مجازات‌ها و افزایش جمعیت زندانی نمود یافته است که برخی آن را تشدید مجازات انگاشته‌اند» (داوودی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۴۹).

سزادهی در قالب مجازات یکی از پایه‌های تصمیمات و احکام محکومیت کیفری را تشکیل می‌دهد، سزادهی یکی از فلسفه‌های مجازات است که در آن تأکید اصلی به جای آنکه بر مجرم، اوضاع و احوال شخصی یا فشارهایی باشد که وی برای ارتکاب جرم با آن‌ها روبه‌رو بوده، بر عمل مجرمانه قرار می‌گیرد. چنانچه عمل مجرمانه‌ای انجام شود، بزهکار به وسیله جزا و سزای رنج‌آوری به مجازات می‌رسد که حداقل باید مساوی با رنج و عذابی باشد که به واسطه وقوع جرم ایجاد شده است. هدف این است

۳. قانون سه ضربه و اخراج (three strikes and you're out) که در ایالات متحده آمریکا مطرح شد، به قانونی اطلاق می‌شود که به موجب آن، محکومیت مجرمی که دارای یک سابقه جنایی بود، به دو برابر افزایش می‌یافت و نیز باعث می‌شد مجرمی که برای سومین بار مرتکب جرم جنایی می‌شود، به حبس ابد محکوم گردد؛ در واقع هدف این قوانین آن است که بزهکارانی را که با ارتکاب جرایم مکرر، نظم و امنیت اجتماعی را برهم می‌زنند، برای مدتی طولانی از جامعه دور کرده و یا به‌طور کلی در حبس ابد نگه دارند (غلامی، ۱۳۸۸: ۶۹۹).



که هم عدم تعادلی را که به وسیله جرم پدید آمده است، جبران شود، هم خود مجرم از ارتکاب مجدد عمل مشابه بازداشته شود، و هم دیگرانی که ممکن است درصدد ارتکاب این گونه اعمال باشند، از آن بازداشته شوند (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیکی، ۱۴۰۱: ۲۹۲).

در حال حاضر، تمایل جامعه ما معطوف به کیفرگرایی و برخورد خشن با مجرمان است و همین امر عامل عدم تمایل قضات به اعمال کیفرهای جامعه‌محور بوده است. به عبارت دیگر، مقبولیت اجتماعی کیفر در بستر جامعه، در تمایل یا روی گردانی قضات در انتخاب نوع پاسخ‌های کیفری مؤثر است (پورقهرمانی و نگهدار، ۱۳۹۷: ۲۵۲).

تأثیرپذیری تصمیم‌گیرندگان قانونی از فرهنگ جامعه حقوقی به نحو صددرصد نخواهد بود و عوامل دیگری نیز وجود دارد که فرهنگ حقوقی قضات، و کلاً، ضابطین و قانون‌گذاران را تحت تأثیر قرار میدهد و این گروه از خواص نیز می‌توانند فرهنگ حقوقی ویژه‌ای داشته باشند. با این اوصاف، مجازات‌گرایی آحاد جامعه در تصمیم قضات نیز مؤثر می‌افتد و قضات جهت تسکین افکار عمومی و جلب رضایت آنان و هم‌سو با افکار عمومی، نسبت به تعیین مجازات نوعاً حبس اقدام می‌کنند و این امر یکی از عوامل افزایش جمعیت زندان‌ها خواهد شد.

۵-۱. فقدان آموزش لازم روش تحقیق جرم‌شناسی

روش‌شناسی^۴ یعنی روش علمی که به‌طور معمول، از گذر «مطالعه»^۵ یا «پژوهش» انجام می‌شود. مطالعه عبارت است از به‌کارگیری توان ذهنی برای دستیابی به آگاهی و فراگیری. «پژوهش» نیز عبارت است از جست‌وجوی دقیق و موشکافانه که نیازمند تحقیق و بررسی سنجیده و آگاهانه، به‌ویژه با کاوش و کندوکاو تجربی برای کشف، یا تفسیر واقعیت‌هاست (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱: ۲۵۹).

بر همین اساس، گفته شده است که برای پژوهیدن، باید اندیشه و تفکر را به کار گرفت (مطالعه). ولی تفکر و اندیشه‌گری پراکنده و بی‌روش و نسنجیده ما را به هدف نمی‌رساند، بلکه باید حساب‌گرانه، سنجیده و نظام‌مند اندیشید (شایان، ۱۳۸۹: ۲۸).

۴. Methodology

۵. Study



یعنی همان «پژوهش»^۶ که در جرم‌شناسی، به‌ویژه بر آن تکیه می‌شود. بدین‌سان، روش‌شناسی جرم‌شناسی نیازمند هر دو کار مطالعه و پژوهش است که بر پایه داده‌های کمی و کیفی - به‌مثابه متداول‌ترین شیوه‌های گردآوری داده‌ها در جرم‌شناسی - به انجام می‌رسد. داده‌های کیفی و کمی ممکن است جایگزین یکدیگر انگاشته شوند، اما در واقع بیشتر پژوهش‌های جرم‌شناسی این دو شیوه را برای هم‌تراز ساختن فهم دقیق‌تر با شناخت گسترده‌تر و کلی‌تر ترکیب می‌کنند (O'Brien, Yar, ۲۰۰۸، ۳۶).

نگاهی بر واحدهای درسی در رشته حقوق در مقطع کارشناسی بیانگر آن است که دروس روش تحقیق واحدهای درسی مشخصی ندارد. در مقاطع ارشد و دکتری نیز وضعیت چندان تفاوتی ندارد و اگر هم واحد آموزشی وجود داشته باشد، جز محدود اساتیدی که دانش تدریس در این حوزه را داشته باشند، سایرین دانش تدریس روش تحقیق را ندارند. این موضوع دو پیامد بسیار مهم در جرم‌شناسی ایران به جای گذاشته است: نخست آنکه دانش جرم‌شناسی و دروس و واحدهای درسی آن محدود است به تدریس و آموزش نظریه‌ها. به عبارت بهتر، در ایران غالباً از مسائل واقعی به نظریه نمی‌رسیم، بلکه در مراکز دانش، نظریه‌ها را به تن‌وقایع می‌پوشانیم و از این‌رو دانشگاه را منتزع از مشکلات اجتماعی می‌بینیم. به سخن دیگر، جز معدود افراد آگاه بر روش تحقیق، امکان بررسی تجربی و میدانی اقسام آسیب‌های اجتماعی برای جامعه حقوقی وجود ندارد. این ایراد بین متخصصان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی کمتر دیده می‌شود.

اما مسئله آن است که آنان فاقد دانش حقوقی هستند و همین موضوع شاید آگاهی آنان را نسبت به اقسام بحران‌های حقوقی اندک نموده است. مشکلات پیش‌گفته، نظریات جرم‌شناسی را بی‌توجه به شرایط در ایران، آن‌چنان غالب نموده است که بر اساس حاکمیت هریک در هر دوره‌ای از زمان در دانشگاه‌های مختلف داخلی، اقسام پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری با مبنا قرار گرفتن آن نظریه‌ها نگاشته می‌شود که فایده آن برای جامعه در بسیاری از موارد نامشخص است. کافی است به عناوین پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در دوره‌های زمانی مختلف عنایت شود.

۶. Research



زمانی نظریات دفاع اجتماعی مبنای انتخاب پایان‌نامه‌ها بود. زمانی دیگر، با شکست نهضت اصلاح و درمان و اعمال حبس برای اصلاح و درمان، به تبع تحولاتی که در کشورهای دیگر حادث شد، جایگزین‌های حبس یا مجازات‌های اجتماعی شد.

۲. راهکارهای اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی ایران

اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی ایران می‌تواند به بهبود و اثربخشی بیشتر نظام عدالت کیفری کمک کند. در این راستا، چندین راهکار می‌تواند مؤثر واقع شود، که در این قسمت به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۲. بومی‌سازی آموزه‌های جرم‌شناسی

در اهمیت و ضرورت بومی‌سازی جرم‌شناسی، کمتر کسی تردید به خود راه می‌دهد، به‌ویژه با توقعاتی که گفتمان بومی‌سازی در جرم‌شناسی رایج ایجاد کرده، که همان توانمندسازی، کارآمدی، کارایی و اثربخشی نظریات جرم‌شناسی نوین در مهار بزهکاری است و به تعبیر امیل دورکیم: «اگر جامعه‌شناسی نتواند گره‌ای از مشکلات جامعه باز کند، ارزش یک ساعت تفکر ندارد».

از جرم‌شناسی نیز چنین توقعی می‌رود، زیرا امکان یا عدم امکان بومی‌سازی با دغدغه کارآمدی جرم‌شناسی رایج گره خورده و کارآمدی و کارایی نظریه‌های بومی جرم‌شناسی هم، به‌دنبال آن در تحقق به زمامداری تأثیرات مستقیمی دارد و کارایی نظریات بومی جرم‌شناختی، زمان امکان‌پذیر است که با مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی کشور تناسب داشته باشد (سهرابی اسمرود و نجفی توانا، ۱۴۰۱: ۱۴۰).

این رویکرد جدید در جرم‌شناسی، اهمیت درک و راه‌حل‌های بومی را برای نمایندگی بیش‌ازحد جرم‌شناسان بومی در سیستم‌های مختلف عدالت کیفری، برجسته می‌کند و اهمیت فرهنگ، حقوق، عرف و اخلاق را در توسعه سیاست عدالت کیفری و انجام پژوهش‌های جرم‌شناسی تأیید می‌کند (کرامتی معز، ۱۴۰۲: ۲۱۲). بومی‌سازی آموزه‌های جرم‌شناسی به‌معنای تطبیق و استفاده از اصول و نظریه‌های جرم‌شناسی با در نظر گرفتن ویژگی‌ها، فرهنگ، و ساختار اجتماعی-اقتصادی خاص ایران است. این فرآیند می‌تواند تأثیرات مثبتی بر حقوق کیفری عمومی ایران داشته باشد و به بهبود



و کارآمدی نظام عدالت کیفری کمک کند.

شناخت و احترام به فرهنگ، ارزش‌ها، و سنت‌های محلی در طراحی و اجرای سیاست‌های کیفری. برای مثال، در برخی مناطق ایران، ارزش‌های خانوادگی و قبیله‌ای نقش مهمی در زندگی افراد دارند که باید در سیاست‌های پیشگیری از جرم و اجرای عدالت مدنظر قرار گیرد. تدوین و اصلاح قوانین کیفری با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف کشور. این می‌تواند شامل تغییراتی در قوانین موجود یا ایجاد قوانین جدید باشد. تطبیق آموزه‌های جرم‌شناسی با فرهنگ و ارزش‌های محلی می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری منجر شود، زیرا مردم احساس می‌کنند که این نظام با نیازها و ارزش‌های آن‌ها هم‌خوانی دارد.

۲-۲. اهمیت دادن به مطالعات، مصاحبه‌های میدانی و آماری جرم‌شناسی

تا زمانی که محققان جرم‌شناسی به واقعیات آماری، فرهنگی و قضایی بزهکاری در کشور اطلاعی نداشته باشند، نباید از آنان انتظار ارائه راهکارهای جرم‌شناسی داشت. علت‌شناسی جرم و ارائه راهکارهای پیشگیری از آن، صرف مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات نظری کارآیی ندارد و نیازمند مطالعات و مصاحبه‌های میدانی و آماری و بسترسازی فرهنگی با در نظر گرفتن خرده‌فرهنگ‌ها و ارزش حاکم بر جامعه هدف است (کرامتی معز، ۱۴۰۲: ۲۱۳).

آشنایی دانش‌آموختگان حقوق با روش تجربی و در نتیجه، جای‌گیری رویکرد تجربی به‌عنوان یکی از رویکردهای غالب به واکنش اجتماعی، نیازمند آموزش یک نسل از دانشجویان و سپس ورود آن‌ها به مشاغل حقوقی است. در نتیجه، موضوع اصلاح برنامه آموزشی رشته حقوق به‌نسبت زمان بر است. در کوتاه‌مدت، برای برخورداری از مزایای رویکرد تجربی به واکنش اجتماعی، آموزش دست‌اندرکاران اجرایی قوه قضاییه در خط مقدم رویارویی با مرتکبان بزه و افرادی که مشمول واکنش اجتماعی میشوند، ضروری است.

در این زمینه، هم مسئولان و هم کارکنان باید آموزش داده شوند. در سطح آموزش مسئولان و مدیران دستگاه قضایی، ابتدا باید ایشان با امکان کاربست رویکرد تجربی



به واکنش اجتماعی، به لحاظ مبنایی آشنا شوند. در این مرحله، تأکید خواهد شد که رویکرد تجربی مغایرتی با اصول و مبانی شریعت اسلام به‌عنوان منبع و مبنای نظام حقوقی ایران ندارد؛ بلکه مورد تأیید شریعت نیز هست.

سپس مزایای رویکرد تجربی به واکنش اجتماعی تبیین می‌شود. در این مرحله، مدیران و مسئولان خواهند دانست که بهبود عملکرد نظام کیفری و شناسایی نقاط ضعف و قوت واکنش‌های اجتماعی جز از طریق رویکرد تجربی میسر نخواهد شد. از طریق این رویکرد است که ما با میزان دستیابی هر واکنش اجتماعی به اهداف تعیین شده برای آن خواهیم رسید (کبریته، ۱۴۰۱: ۹۷۹).

برای مثال، در اقدامات تأمینی و تربیتی برای اطفال موضوع ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، میزان توان بازدارندگی و اصلاح این اقدامات قانونی جز با رویکرد تجربی قابل ارزیابی نیست و اصلاحات قانونی بعدی نیز از طریق همین رویکرد علوم جنایی تجربی مؤثرتر خواهد بود. هرگاه طفل یا نوجوانی بارها مرتکب رفتارهای ضداجتماعی مشابهی شود و هر بار نیز دادگاه بی‌توجه به پیشینه طفل، او را مطابق بند الف ماده مزبور به والدین تسلیم، یا برابر بند «پ» آن ماده، نصیحت نماید، طبیعی است که این‌گونه واکنش موجب جرئت و جسارت طفل یا نوجوان بزهکار گردد. بنابراین، ثبت دقیق اطلاعات راجع به اطفال و نوجوانان نیز هرچند محکومیت مؤثر محسوب نمی‌شود، در اتخاذ تصمیمات مؤثر قضایی و تحلیل میزان تأثیرگذاری این اقدامات کارساز خواهد بود. بنابراین نباید به آن به‌عنوان موضوعی کم‌اهمیت نگریست. همچنین مسئله پیش‌بینی اصلاح برای اعمال نهادهای ارفاقی تعویق و تعلیق که در بند ب ماده ۴۰ ق.م.ا ۱۳۹۲ آمده است، با بهره‌گیری از یافته‌های آماری قابل بررسی است. اینکه در چه سنی و در چه شرایط خانوادگی و تربیتی و در صورت ارتکاب چه جرایمی پیش‌بینی اصلاح افراد می‌رود، یا چه اقدامات مراقبتی در مورد چه افرادی اصلاح ایشان را سرعت می‌بخشد و بازاجتماعی‌پذیری مرتکب بزه را فراهم می‌نماید، همگی با رویکرد تجربی مبتنی بر آمار قابل تشخیص است.



۲-۳. آگاهی قضات نسبت به کارکردهای جرم‌شناسی و اعمال مجازات‌های

نویین

بر مبنای یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین موانع اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی و استفاده از مجازات‌های نویین و اجتماعی در ایران، عدم آگاهی مردم از اهداف و کارکرد و دلیل ایجاد این مجازات‌ها می‌باشد.

بر اساس آنچه متخصصان اظهار داشته‌اند، به دلیل ضعف آگاهی و اطلاع‌رسانی از یک سو، و تمایل مردم به سمت کیفردهی در جامعه ایران از سوی دیگر، این اقدامات نمی‌تواند در باور شهروندان به عنوان مجازات تلقی شود و هنگامی که شهروندان باور نکنند دستگاه قضایی مجرمان را مجازات می‌نماید و به آن به دیده تردید بنگرند، به آرامی از گرایش مثبت آن‌ها به دستگاه قضایی کاسته می‌شود (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

تردیدی نیست که مسئولان دستگاه قضایی در اشکال گوناگون (دستورالعمل، سخنرانی و بخش‌نامه) بارها بر حبس‌زدایی تأکید کرده‌اند؛ اما اینکه آیا در عمل، سازوکارهای لازم برای اعمال سیاست‌های حبس‌زدایی و در نتیجه کاهش جمعیت کیفری زندان وجود دارد و روح دستگاه قضایی حاکم با این سیاست سازوار و سازگار است، محل پرسش است. یافته‌ها حاکی از آن است که سیاست حبس‌زدایی در میدان عمل با ضعفی آشکار مواجه است. گویی برای سیاست‌گذاران نظام قضایی، حبس‌زدایی در حد نظری مطلوب است و عملیاتی کردن آن جذابیت چندانی ندارد (پورمحمی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۵). اگر قاضی بیاورد به سمت مجازات‌های جایگزین حبس، گفته می‌شود او قاضی ملایمی است و قاضی ملایم در بعضی موارد به درد دستگاه قضایی نمی‌خورد.

از آنچه اشاره شد، می‌توان دریافت که به باور قضات، رویکرد تنبیهی و سخت‌گیرانه و به طور خاص، حبس‌گرایی بر دستگاه قضایی رویکرد غالب است (ناظرزاده کرمانی و امامی غفاری، ۱۳۹۳: ۱۷۴).

این موضوع را می‌توان از گزارش شماره ۸۵۷۸/۱۶/۴۳ سرپرست دفتر بازرسی



کتابخانه تخصصی حقوق کیفری

سازمان زندان‌ها به روشنی دریافت. طی این گزارش که در پی بخش‌نامه‌های متعدد مبنی بر توصیه به عدم تعیین مجازات حبس صادر شد، دفتر سازمان زندان‌ها به رئیس قوه قضاییه گزارش می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق بخش‌نامه‌هایی که در موضوعات زندان و زندانی به مراجع قضایی ابلاغ فرموده‌اید، یا اساساً اجرا نشده است، یا اجرای آن با کمبود و نقصان‌هایی صورت پذیرفته است (کرمی، ۱۳۹۵: ۵۴).

در چنین وضعیتی، و رای نگرش شخصی قضات به نهادهای کیفری نوین، فرهنگ سازمانی حبس‌گرای حاکم بر دستگاه قضا به‌مثابه یک الگوی تصمیم‌گیری عمل می‌کند و در چارچوب آن، قضات همواره بازخورد همکارانشان را نسبت به تصمیمات قضایی خود می‌سنجند و تا حد امکان از آن فاصله نمی‌گیرند (منصورآبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۰). نتیجه آن که بسیاری از قضات جهت خودداری از رویارویی با واکنش‌های ناخوشایند، از جمله نقض مکرر آرا به مجازات‌های جامعه‌محور حکم نمی‌دهند یا به‌طور حداقلی از آن استفاده می‌کنند.

لذا اطلاع‌رسانی به مردم و توجیه مناسب مردم، به‌خصوص از طریق صداوسیما و نظام آموزش در این زمینه ضروری است. مهم‌تر از آگاهی مردم، توجیه قضات و از بین بردن نگرش‌های سنتی آن‌ها به کیفر و فرهنگ حبس‌گرایی و آگاه کردن آن‌ها در خصوص آموزه‌های جرم‌شناسی و استفاده از مجازات‌های جایگزین و مضرات حبس است. جهت دستیابی به این هدف می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: نشان دادن نتایج اجرای جایگزین‌ها در کشورهای دیگر به قضات، آموزش‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی به آن‌ها در خصوص صدور رأی در طی آموزش‌های ضمن خدمت، بازدید قضات از زندان‌ها به منظور آشنایی با مسائل و مشکلات زندانیان و خانواده‌هایشان و در کل، آشنایی با آثار منفی حبس.

آنچه در خصوص آموزش به قضات می‌بایست مدنظر قرار گیرد، افزایش قدرت تشخیص قضات در خصوص اجرای مجازات‌های نوین و جایگزین است. بدین معنا که اگر قدرت تفکر و تشخیص اجتماعی آنان افزایش یابد و آن‌ها آموزش ببینند که باتوجه به شرایط مجرم جرم ارتكابی، شرایط بزه‌دیده و جامعه، تصمیم بگیرند و حکم



صادر کنند، آن‌گاه می‌توان گفت که این‌گونه مجازات‌ها به‌درستی درمورد مجرمان اجرا می‌شوند. شاید بتوان گفت که یکی از علل عدم استقبال قضات از مجازات‌های نوین و جایگزین این است که آن‌ها به‌سراغ مواد قانونی می‌روند که مطابق آن‌ها عمل کنند و کمتر به تصمیم خودشان توجه می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در حقوق کیفری عمومی ایران، آموزه‌های جرم‌شناسی به‌عنوان یکی از اصول اساسی و مبنایی سیستم کیفری مطرح می‌شوند که هدف آن‌ها تعیین جرم و مجازات متناسب با آموزه‌های جرم‌شناسی است. این آموزه‌ها، با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و حقوقی ایران، از دستاوردهای خاصی برخوردارند که نیازمند ارزیابی و تجدیدنظر مداوم است. این مسئله بیانگر اهمیت ارزیابی جامع و کامل آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی ایران است.

در این مقاله، چالش‌ها و موانع اصلی در مسیر اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی ایران بررسی شد. به‌رغم پیشرفت‌های علمی و تجربیات موفق در بسیاری از کشورها، نظام حقوقی ایران همچنان با محدودیت‌هایی مواجه است که مانع بهره‌گیری کامل از یافته‌های نوین جرم‌شناسی می‌شود. از جمله این چالش‌ها می‌توان به عبارات قوانین کیفری و تلاقی با آموزه‌های جرم‌شناسی، عدم اطلاع و شفافیت کافی دست‌اندرکاران قضایی از مفاهیم جرم‌شناسی، وارداتی بودن نظریه‌های جرم‌شناسی، فرهنگ مجازات‌گرای جامعه و فقدان آموزش لازم روش تحقیق جرم‌شناسی اشاره کرد.

باین حال، این چالش‌ها نشان‌دهنده نیاز فوری به اصلاحات ساختاری و قانونی در حقوق کیفری ایران است. برای رفع این موانع، راهکارهایی همچون بومی‌سازی آموزه‌های جرم‌شناسی، اهمیت دادن به مطالعات، مصاحبه‌های میدانی و آماری جرم‌شناسی و آگاهی به قضات نسبت به کارکردهای جرم‌شناسی و اعمال مجازات‌های نوین ضروری است. همچنین، گسترش تحقیقات میان‌رشته‌ای و بهره‌گیری از تجربیات



فصلنامه علمی - تخصصی / سال سوم، شماره ۷ / پاییز ۱۴۰۳

موفق کشورهای دیگر می‌تواند مسیر را برای پذیرش آموزه‌های جرم‌شناسی در ایران هموارتر سازد.

در نهایت، پذیرش و اعمال آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی ایران می‌تواند به توسعه یک نظام کیفری کارآمدتر منجر شود؛ سیستمی که نه تنها بر مجازات، بلکه بر پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان تأکید دارد. با اعمال این تغییرات، می‌توان امیدوار بود که عدالت اجتماعی بیشتری در کشور برقرار شود و از وقوع جرایم به شکل مؤثرتری جلوگیری شود.

فهرست منابع

- پرجمی، داود و درخشان، فاطمه (۱۳۹۸). مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس و کاهش جرم، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- پور قهرمانی، بابک و نگهدار ایرج (۱۳۹۷). ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید مطالعه موردی محاکم کیفری استان کردستان، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دوره ۴۸، شماره ۲.
- پورمحمی آبادی، حسین؛ بوستانی، داریوش و قماش، سعید (۱۳۹۷). سیطره حبس‌گرایی و رؤیای حبس‌زدایی در سیاست کیفری ایران: مطالعه موردی حوزه قضایی شهر کرمان، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال نهم، شماره اول.
- سهرابی اسمرود، مهران و نجفی توانا، علی (۱۴۰۱). بومی‌سازی جرم‌شناسی در ایران: موانع و مقتضیات، نشریه علمی پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال سیزدهم، شماره ۲۵.
- شاملو، باقر و عبدالهی، افشین (۱۳۹۴). دستاوردهای مدیریتی جرم‌شناسی در آیین دادرسی کیفری، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲.
- شایان، علی (۱۳۸۹). روش تحقیق میدانی در علوم جنایی، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.
- داودی گرمارودی، هما (۱۳۸۶). اندیشه‌های مجازات و عوامل مؤثر بر حجم جمعیت



- کیفری، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، به کوشش مائده میرشمش شهشهانی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- رایجیان اصلی مهرداد (۱۴۰۱). درآمدی بر جرم‌شناسی، چاپ چهارم، ویراست سوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و دانشگاهی (سمت). غلامی، حسین (۱۳۸۸). سیاست کیفری سلب توان بزهکاری، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۰.
- کارلسون، کریستوفر و برزگر، مهری (۱۳۹۹). جرم‌شناسی جریان زندگی، ترجمه مهری برزگر، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کبریتی، محمدجواد (۱۴۰۱). زیرساخت‌های لازم برای کاربرست رویکرد تجربی در واکنش اجتماعی به پدیده مجرمانه، حقوق کیفری پویا، مجموعه مقاله‌ها در پاسداشت استاد دکتر محمدعلی اردبیلی، به کوشش نسریه مهرا و امیرحسن نیازپور، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۲). توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- سوتیل، کیت و همکاران (۱۳۸۸). شناخت جرم‌شناسی، ترجمه میرروح الله صدیق، چاپ دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- کرامتی معز، هادی (۱۴۰۳). جرم‌شناسی (طرح مباحث نوین در دانش جرم‌شناسی)، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کرمی، آلاله (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی خدمات عام المنفعه به‌عنوان مجازات جایگزین حبس در حقوق ایران و فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
- منصورآبادی، عباس؛ یآوری، جواد، شیدائیان، مهدی و رحیمی نژاد، عباس (۱۳۹۶). الگوهای تصمیم‌گیری قضایی در آمریکا و ایران، پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره ۱۸.
- میرخلیلی، سیدمحمود و یعقوبی، تقی (۱۳۹۶). بررسی عوامل قضایی افزایش



جمعیت کیفری زندان‌ها، فصل‌نامه راهبرد، شماره ۸۲.
ناظرزاده کرمانی، فرناز و امامی غفاری، زینب (۱۳۹۳). بررسی رویه و نگرش قضات
دادگاه‌های اطفال تهران به جایگزین‌های مجازات حبس، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق
قضایی، شماره ۶۵.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیک، حمید (۱۴۰۱). دانشنامه جرم‌شناسی،
چاپ ششم، تهران: انتشارات گنج دانش.
نوبهار، رحیم (۱۳۹۴). نشست تخصصی بررسی وضعیت زندان‌ها، مرکز تحقیقات
استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ششم آبان.

Carrington, Kerry (۲۰۱۷). Asian Criminology and Southern Epistemologies,
in: Jianhong Liu & Max Travers & Lennon Y.C. Chang (Eds.), Comparative
Criminology in Asia, Springer.

Miyazawa, S. (۲۰۰۸). The politics of increasing punitiveness and the rising
popu in Japanese criminal justice policy. Punishment & Society.

O'Brien, Martin, Yar, Majid (۲۰۰۸). Criminology: The key concepts, First
published, Routledge.

